توسعه ایرانی
روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

فوتبال خارجی

سیتی امشب می‌تواند به قهرمانی در انگلیس نزدیک و نزدیک‌تر شود

پپ برمی‌گردد؟!

خورشید بر فراز شهر منچستر در حالی غروب می‌کند که سایه سنگین یک فرصت طلایی بر ورزشگاه اتحاد سنگینی می‌کند. امروز، زمانی که سوت آغاز بازی منچسترسیتی و نیوکاسل به صدا درآید، دیگر فقط بحث سه امتیاز در میان نیست؛ بحث بر سر لرزه‌ای است که بر اندام صدرنشین لندن‌نشین افتاده است. همه‌چیز از ورزشگاه مولینو شروع شد. جایی که آرسنال میکل آرتتا در اولین بازی هفته مقابل ولورهمپتون متوقف شد تا دو امتیاز حیاتی را در کورس نفس‌گیر قهرمانی جا بگذارد. حالا، پپ گواردیولا، آن استراتژیست کاتالان که بوی خون را از فرسنگ‌ها دورتر حس می‌کند، مهره‌هایش را برای یک شبیخون تمام‌عیار آماده کرده است.

داستان لیگ برتر در سال‌های اخیر، داستان تقابل استاد و شاگرد بوده است. میکل آرتتا، کسی که الفبای مربیگری را در کنار پپ روی نیمکت سیتی آموخت، حالا بار دیگر خود را در موقعیتی می‌بیند که کابوس فصول گذشته را زنده می‌کند. او می‌داند که پپ گواردیولا در تعقیب رقیب، بی‌رحم‌ترین مربی جهان است. تساوی آرسنال مقابل ولوز، مانند چراغ سبزی بود که به ماشین جنگی سیتی نشان داده شد. پیروزی امشب مقابل کلاغ‌های نیوکاسل، اختلاف را به دو امتیاز می‌رساند و فشار روانی را به اردوی توپچی‌ها منتقل می‌کند. سوالی که در ذهن هواداران فوتبال می‌چرخد این است؛ آیا آرتتا باز هم جام را در لحظات آخر به معلم سابقش واگذار خواهد کرد؟

اما نباید فراموش کرد که حریف امروز، نیوکاسل یونایتد است. تیمی که تحت هدایت ادی هاو، دیگر آن تیم دست‌وپابسته سال‌های دور نیست. آنها به اتحاد می‌آیند تا نقش غول کش را بازی کنند. نیوکاسل با خط دفاعی مستحکم و ضدحملات ویرانگرش، می‌تواند همان صخره‌ای باشد که سیلاب حملات سیتی را متوقف می‌کند. با این حال، ورزشگاه اتحاد برای رقبای سیتی همیشه حکم یک مسلخ تاکتیکی را داشته است. کوین دی‌بروینه با پاس‌های خط‌کشی شده‌اش و ارلینگ هالند که گویی برای تمام کردن رویاهای حریفان برنامه‌ریزی شده، منتظر کوچک‌ترین اشتباه از سوی مدافعان نیوکاسل هستند.

گواردیولا در کنفرانس خبری پیش از بازی، با آن آرامش پیش از طوفان همیشگی‌اش صحبت کرد، اما چشمانش حکایت دیگری داشتند. او می‌داند که لیگ برتر شوخی‌بردار نیست. سیتی در سال‌های اخیر نشان داده که وقتی به هفته‌های پایانی نزدیک می‌شویم، آنها نه‌تنها فوتبال بازی می‌کنند، بلکه حریف را از نظر ذهنی متلاشی می‌کنند. در سمت مقابل، میکل آرتتا احتمالا امشب را با اضطراب پای تلویزیون خواهد گذراند. هر گلی که سیتی به ثمر برساند، خنجری است بر پیکر آرزوهای قهرمانی آرسنال. این همان دی‌ان‌ای قهرمانی پپ است؛ بهره‌برداری حداکثری از لغزش رقیب.

بازی امروز منچسترسیتی و نیوکاسل، صرفا یک مسابقه فوتبال در هفته‌های میانی یا پایانی فصل نیست؛ این یک بیانیه است. اگر سیتی پیروز شود، پیام روشنی به لندن مخابره خواهد شد؛ ما هنوز این‌جا هستیم و جام را به راحتی پس نمی‌دهیم. داستان فصل در حال رسیدن به نقاط اوج خود است. جایی که تجربه پپ با انگیزه و جسارت آرتتا برخورد می‌کند. امروز در اتحاد، هر پاس، هر تکل و هر فریاد هواداران، بخشی از سمفونی قهرمانی خواهد بود که شاید در پایان فصل، نت‌های نهایی‌اش بار دیگر به سود آبی‌های منچستر نوشته شود.

سیتی در ۱۰ بازی اخیر خانگی خود مقابل نیوکاسل شکست‌ناپذیر بوده است، اما فشار ناشی از فرصت پیش‌آمده برای کاهش فاصله با آرسنال، می‌تواند شمشیر دولبه‌ای برای شاگردان پپ باشد. آیا امشب، پپ گواردیولا یک قدم دیگر به تکرار تاریخ و گرفتن جام از دستان شاگرد قدیمی‌اش نزدیک می‌شود؟ پاسخ این سوال در پایان ۹۰ دقیقه در مستطیل سبز اتحاد نهفته است.

خبر

بودجه ورزش به ۱۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافت

عضو کمیسیون تلفیق و فراکسیون ورزش تاکید کرد جداول تخصیص بودجه نهایی نشده و مورد تایید نیست.

به گزارش ایلنا، احسان قاضی‌زاده هاشمی با بیان اینکه بودجه ورزشی کشور عدد قابل توجهی است، تصریح کرد: لیست‌هایی که به بیرون درز کرده چون هیچکدام به تصویب صحن علنی مجلس نرسیده و به صورت عمومی دیده شده، قابلیت استناد ندارد. این را هم اشاره کنم که جدول دوازده و عدد پیشنهادی دولت، ۱۰ هزار میلیارد تومان بود. بخش اندکی از آن برای ورزش وجود داشت و با پیگیری‌هایی که در تلفیق انجام دادیم و با توجه به اینکه یک درصد از سهم شرکت‌های صنعتی و معدنی را می‌گیرد، ما هم کمک کردیم و این بودجه به ۱۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. الان توزیع آن قرار است ذیل کمیته‌ای در سازمان برنامه و بودجه شکل گیرد. یعنی ممکن این ۱۸۳۰ عدد به ۲۵۰۰ برسد و حتی بیشتر. پس هیچ قابلیت استنادی برایش وجود ندارد.

وقتی تیم‌های ایرانی حتی از پس تیم‌های درجه دوم آسیا برنمی‌آیند

سقوط در دره حقارت

آریا طاری

این مطلب یک مرثیه برای غرور جریحه‌دار شده سرزمینی است که روزگاری خود را آقای فوتبال آسیا می‌دانست، اما حالا در لیگ سطح دوم قاره هم راهی برای بقا پیدا نمی‌کند. این گزارش، روایتی است از سقوط آزاد مدعیان پرهزینه، اما بی‌هویت فوتبال ایران؛ شبی که در آن، استقلال ساپینتو و سپاهان نوید کیا، آخرین میخ‌ها را بر تابوت ادعاهای توخالی ما کوبیدند. خورشید که در افق «اِربد» و «دوحه» غروب کرد، فوتبال ایران با حقیقتی روبه‌رو شد که سال‌ها از لمس آن فرار می‌کرد؛ ما دیگر نه‌تنها غول آسیا نیستیم، بلکه حتی در حیاط خلوت تیم‌های درجه دو و درجه سه منطقه هم حرفی برای گفتن نداریم. شکست سه‌بر دو استقلال مقابل الحسین اردن و حذف سپاهان مقابل الاهلی قطر، نه یک اتفاق فوتبالی، بلکه یک اعلامیه ورشکستگی بود. ورشکستگی فکری، مدیریتی و تاکتیکی تیم‌هایی که میلیاردها تومان هزینه کردند تا در نهایت، مقابل تیمی زانو بزنند که تا همین چند سال پیش، صعود از مرحله گروهی برای‌شان یک رویای دست‌نیافتنی بود.

وقتی لیست ۱۱ نفره استقلال پیش از شروع بازی با الحسین اردن روی خروجی سایت‌های خبری قرار گرفت، شوک اول وارد شد. طرفداران استقلال که به بردهای ناپلئونی در لیگ عادت کرده بودند، با دیدن ترکیب عجیب ریکاردو ساپینتو، چشمان خود را مالیدند. او با دست خودش، تمام ستون‌های خیمه استقلال را فرو ریخت. بازی دادن به چنپو و اسلامی به صورت فیکس در حساس‌ترین بازی فصل، چیزی فراتر از یک اشتباه فنی بود؛ این یک انتحار بود. چنپو که هنوز با جو تیم هماهنگ نشده و اسلامی که در بازی‌های اخیر سایه‌ای از خود گذشته‌اش هم نبود، ناگهان در قلب تپنده تیم جای گرفتند. ساپینتو با این تصمیم، عملا کناره‌ها را به اردنی‌های دونده و باانگیزه هدیه داد. اما بزرگ‌ترین علامت سوال، نیمکت‌نشینی امیرمحمد رزاقی‌نیا بود. بازیکنی که در تمام موفقیت‌های اخیر استقلال نقش محوری داشت و بالانس دفاع و حمله را برقرار می‌کرد، در شبی که استقلال به آرامش و قدرت جوانی او نیاز داشت، از روی نیمکت نظاره‌گر فروپاشی تیمش بود. ساپینتو با این کار نه‌تنها حریف را قوی کرد، بلکه اعتمادبه‌نفس کلیدی‌ترین مهره‌هایش را هم سلاخی کرد. او حتی به یاسر آسانی هم رحم نکرد. وینگر زهردار و آلبانیایی استقلال که در جناح راست کابوس مدافعان بود، با تصمیمی عجیب به پستی منتقل شد که عملا کارایی‌اش به صفر رسید. آسانی در این بازی نه راه نفوذ را می‌شناخت و نه می‌دانست چگونه باید به دفاع کمک کند. او سرگردان‌ترین ستاره استقلال بود. اما اوج فاجعه در جریان بازی رخ داد. استقلال که برای صعود فقط برد می‌خواست، نیاز به تغییراتی داشت تا بازی را برگرداند، اما هر تعویض ساپینتو، مثل فرو کردن یک خنجر دیگر در پهلوی تیم بود. او بازیکنانی را وارد کرد که نه‌تنها باری از دوش تیم برنداشتند، بلکه با اشتباهات مکرر، اجازه ندادند استقلال حتی یک حمله منسجم طراحی کند. ساپینتو در کنار زمین، به جای رهبری، تماشاگر سقوطی بود که خودش مهندسی کرده بود.

در سوی دیگر، سپاهان محرم نوید کیا در قطر، تصویری از یک تیم بی‌رمق را به نمایش گذاشت. تیمی که همیشه به فوتبال روی زمین و مالکانه افتخار می‌کرد، مقابل الاهلی قطر به بن‌بست مطلق رسید. نوید کیا که همواره از اصول بازی زیبا دم می‌زد، در شبی که باید نتیجه را قربانی نمی‌کرد، تیمی را به زمین فرستاد که انگار برای اولین بار کنار هم بازی می‌کردند. سپاهان تا دقایق پایانی جنگید، اما نه جنگی از سر قدرت، بلکه جنگی برای بقا. در حالی که همه منتظر وقت‌های اضافه بودند، اشتباه عجیب و مبتدیانه محمد دانشگر، تیر خلاص را شلیک کرد. مدافعی با آن همه ادعا و تجربه، در حساس‌ترین ثانیه، مرتکب خطایی شد که حتی در لیگ‌های محلات هم مشابهش را نمی‌بینیم. این اشتباه، خلاصه و چکیده فوتبال فعلی ماست؛ ادعای زیاد، تمرکز صفر. حذف مقابل الاهلی قطر، آن هم در لیگ سطح دوم آسیا، برای تیمی با امکانات سپاهان، چیزی جز یک بی‌آبرویی ورزشی نیست. تیمی که به پشتوانه کارخانه، بهترین بازیکنان را درو می‌کند، حالا باید بنشیند و فینال تورنمنتی را تماشا کند که حتی در آن، جزو چهار تیم هم نبود.

بیایید کمی صادقانه به زخم‌مان نمک بپاشیم. فوتبال ایران از فوتبالی شکست خورد که تا همین چند سال پیش، فوتبال باشگاهی‌اش در نقشه آسیا جایی نداشت. اردنی‌ها روزگاری آرزو داشتند یک بازی دوستانه با تیم‌های ایرانی داشته باشند تا تجربه کسب کنند. حالا چه شده که الحسین اردن، استقلال ما را تحقیر می‌کند؟ سه گل می‌زند و کلی گل هم نمی‌زند؟ فراموش نکنیم همین الحسین در مرحله گروهی سپاهان را هم شکست داده بود تا دوستان دیگر نتوانند از اتفاقی بودن شکست‌ها صحبت کنند. این یک پیام ترسناک برای ماست؛ دنیا در حال حرکت است و ما در حال درجا زدن در توهمات گذشته. ما سال‌ها پشت این بهانه قایم شدیم که پول نداریم، عربستان ستاره‌های جهانی می‌خرد و قطر زیرساخت دارد، اما امسال چه؟ امسال که استقلال و سپاهان و تراکتور، بازار نقل‌وانتقالات را منفجر کردند، چه بهانه‌ای داریم؟ وقتی به الحسین اردن می‌بازیم، دیگر بحث پول مطرح نیست؛ بحث فکر است. بحث مدیریت است. الحسین اردن با تکیه بر نظم، دوندگی و شناخت دقیق از نقاط ضعف مربی پرادعای استقلال، ما را از دور رقابت‌ها خارج کرد. آنها فوتبال بازی کردند و ما، فقط ستاره‌های گران‌قیمت را در زمین راه بردیم.

فاجعه زمانی عمیق‌تر می‌شود که به یاد بیاوریم ما درباره لیگ نخبگان حرف نمی‌زنیم. ما درباره سطح دوم حرف می‌زنیم. جایی که استقلال و سپاهان باید در آن حکمرانی می‌کردند. حذف در این سطح، یعنی فوتبال باشگاهی ایران، حتی در میانه آسیا هم جایی ندارد. زنگ خطر سال‌هاست که به صدا درآمده. از روزی که استادیوم‌های‌مان متروکه شد، از روزی که به جای آکادمی، به دلال‌ها اعتماد کردیم، از روزی که مربیان خارجی درجه‌چندم را با قراردادهای نجومی آوردیم و به آنها اجازه دادیم با سرنوشت تیم‌های‌مان قمار کنند. ساپینتو در دوبی و اِربد، نشان داد که هیجان و فریادهای کنار زمین، جایگزین تاکتیک نمی‌شود. او تیمی را که می‌توانست قهرمان این مسابقات شود، تبدیل به یک گوشت قربانی کرد.

چه کسی مسئول این فاجعه است؟ مدیرانی که بدون هیچ نظارتی، عنان کار را به مربیانی می‌دهند که تیم را آزمایشگاه شخصی خود کرده‌اند؟ یا بازیکنانی که قیمت‌شان میلیاردی است اما کیفیت‌شان به اندازه یک بازی محلی هم نیست؟ ساپینتو با تغییرات شوکه‌کننده‌اش در ارنج تیم، ثابت کرد که هیچ احترامی برای شعور هوادار و ثبات تیمی قائل نیست. نیمکت‌نشین کردن رزاقی‌نیا و فیکس کردن اسلامی و چنپو، دهن کجی به تمام اصولی بود که یک مربی باید رعایت کند. او استقلال را در اردن سلاخی کرد. در سوی دیگر، نوید کیا هم باید پاسخگو باشد. سپاهان تحت هدایت او، تیمی است که انگار دندان برنده ندارد. زیبا بازی کردن بدون کسب نتیجه، آن هم در مسابقات حذفی، چیزی جز یک فریب عمومی نیست. سپاهان در دوحه، تیمی بود که برای باختن به زمین رفته بود؛ بدون استراتژی، بدون نقشه دوم و با دفاعی که لرزه بر اندام هوادارانش می‌انداخت.

این شکست دوگانه، یک لکه ننگ بر پیشانی فوتبال ایران در سال ۲۰۲۶ است. وقتی به تیم‌های اردنی و قطری (در سطح دوم) می‌بازیم، یعنی دیگر نباید از الهلال و النصر حرف بزنیم. ما فعلا باید به فکر این باشیم که چطور مقابل الحسین اردن، غافلگیر نشویم. فوتبال باشگاهی ما به یک خانه‌تکانی اساسی نیاز دارد. از مربیانی که با لابی و جنجال روی نیمکت‌ها می‌نشینند، تا مدیرانی که فقط به دنبال عکس یادگاری با ستاره‌ها هستند. اگر امروز صدای این فاجعه را نشنویم، فردا باید منتظر حذف شدن مقابل تیم‌های نپالی و مالدیوی باشیم. استقلال و سپاهان، دو نماد قدرت ما، در یک شب فرو ریختند. یکی در باتلاق تصمیمات ابلهانه سرمربی‌اش و دیگری در چاه بی‌تمرکزی و سستی مدافعانش. این است واقعیت فوتبال ایران در آسیا؛ یک ادعای توخالی، زیر آوار میلی‌مترها اشتباه و فرسنگ‌ها بی‌تدبیری.

فوتبال باشگاهی ما به یک خانه‌تکانی اساسی نیاز دارد. از مربیانی که با لابی و جنجال روی نیمکت‌ها می‌نشینند، تا مدیرانی که فقط به دنبال عکس یادگاری با ستاره‌ها هستند. اگر امروز صدای این فاجعه را نشنویم، فردا باید منتظر حذف شدن مقابل تیم‌های نپالی و مالدیوی باشیم

فاجعه زمانی عمیق‌تر می‌شود که به یاد بیاوریم ما درباره لیگ نخبگان حرف نمی‌زنیم. ما درباره سطح دوم حرف می‌زنیم. جایی که استقلال و سپاهان باید در آن حکمرانی می‌کردند. حذف در این سطح، یعنی فوتبال باشگاهی ایران، حتی در میانه آسیا هم جایی ندارد

اتفاق روز

شایعه جدایی ساپینتو از استقلال جدی‌تر از قبل دنبال می‌شود

معمای اخراج

شب‌های تهران برای هواداران استقلال دیگر بوی آرامش نمی‌دهد. پس از آنکه سوت پایان بازی در اردن، حکم خروج ذلت‌بار آبی‌ها از لیگ قهرمانان آسیا ۲ را امضا کرد، همه می‌دانستند که جاده ساپینتو به انتهای خود رسیده است. اما آن‌چه در ۴۸ ساعت اخیر رخ داده، فراتر از یک تغییر روی نیمکت، شبیه به یک فروپاشی سازمان‌یافته است. نیمکتی که روزی مظهر اتحاد بود، حالا به میدان جنگی تبدیل شده که در آن نه خبری از تدبیر مربی است و نه احترامی برای بزرگ‌تر تیم.

شایعه اخراج ریکاردو ساپینتو دیگر یک گمانه‌زنی رسانه‌ای نیست؛ این یک واقعیت است که تنها بر سر چگونگی پرداخت غرامت سنگین او معطل مانده. شکست سه بر دو مقابل الحسین اردن، نه فقط یک نتیجه، بلکه تیر خلاصی به اعتبار تاکتیکی مربی پرتغالی بود. مدیران استقلال که تحت فشار شدید افکار عمومی قرار دارند، از همان لحظه فرود هواپیمای تیم در فرودگاه امام، مذاکرات زیرزمینی خود را آغاز کردند. اما بزرگ‌ترین تودهنی زمانی خورده شد که نام دراگان اسکوچیچ روی میز آمد. معمار قهرمانی تراکتور که حالا آزاد است، در پاسخ به تماس استقلالی‌ها، یک «نه» قاطع و سرد تحویل داده است. اسکوچیچ که وضعیت آشفته مدیریتی و فنی استقلال را می‌بیند، حاضر نشده اعتبار تازه بازگشته‌اش را در باتلاق فعلی این تیم قربانی کند. این یعنی استقلال نه‌تنها مربی فعلی‌اش را از دست داده، بلکه حتی در جذب گزینه جایگزین هم با در بسته روبه‌رو شده است.

اما تلخ‌ترین بخش این درام، غیبت دو روزه وریا غفوری در تمرینات است. وریا که به عنوان حلقه اتصال هواداران و کادر فنی روی نیمکت می‌نشست، پس از بازی کذایی در اردن، گفته می‌شود وارد یک درگیری لفظی شدید با ساپینتو شده است. شنیده‌ها حکایت از آن دارد که وریا در رختکن، نسبت به تغییرات عجیب ارنج و بازی دادن به مهره‌های ناآماده (اسلامی و چنپو) به شدت اعتراض کرده و ساپینتو را مسبب اصلی حذف تحقیرآمیز تیم دانسته است. پاسخ تند و احتمالا توهین‌آمیز ساپینتو، باعث شده تا وریا با حالتی قهرگونه تمرینات را ترک کند. غیبت او در دو روز گذشته، پیام واضحی به مدیریت است؛ یا من، یا ساپینتو. وقتی محبوب‌ترین چهره نیمکت، راهش را جدا می‌کند، یعنی مشروعیت مربی پرتغالی حتی نزد نزدیک‌ترین دستیارانش هم از بین رفته است.

نیمکت استقلال دیگر سنگر امن این تیم نیست؛ بلکه تبدیل به یک اتاق انتظار شده است. انتظاری برای پایان یک دوران پرهزینه و کم‌بازده. ساپینتو با نیمکت‌نشین کردن رزاقی‌نیا و تغییر بی‌منطق پست یاسر آسانی، نه‌تنها بازی را به اردنی‌ها باخت، بلکه اعتماد رختکن را هم در همان ورزشگاه اِربد دفن کرد. فاجعه استقلال از زمانی شروع شد که نظم فدای هیجان شد. مدیریت باشگاه اجازه داد تا ساپینتو بزرگ‌تر از نام استقلال شود و حالا در زمان بحران، هیچ ابزار کنترلی برای مهار او وجود ندارد. قهر وریا غفوری، آخرین ترکش این بی‌انضباطی است. وریا به خوبی می‌داند که با این دست‌فرمان ساپینتو، استقلال در لیگ هم به زودی از کورس خارج خواهد شد.

استقلال امروز، تیمی است که نه در آسیا هست، نه در تمریناتش آرامش دارد و نه مربی‌اش می‌داند فردا روی نیمکت خواهد بود یا نه. «نه» اسکوچیچ، عمق فاجعه را نشان داد؛ اینکه استقلال مدل ۲۰۲۶، حتی برای مربیان بیکار هم گزینه جذابی نیست. اگر طی ۴۸ ساعت آینده تصمیمی انقلابی گرفته نشود، این قهرها و بحث‌های فنی، استقلال را به سمت یک فروپاشی کامل در ادامه لیگ سوق خواهد داد.

با توجه به قهر وریا و پاسخ منفی اسکوچیچ، به نظر شما مدیریت استقلال باید ریسک کند و تیم را موقتا به یک مربی موقت داخلی بسپارد، یا با وجود تمام اختلافات، باید ساپینتو را تا پایان هفته آینده حفظ کنند؟

چهره به چهره

تراکتور حالا باید در لیگ نخبگان از اعتبار فوتبال ایران دفاع کند

بازمانده

نازنین دشتی

دود ناشی از سقوط استقلال در اِربد و خاکستر به جا مانده از سپاهان در دوحه، هنوز فضای فوتبال ایران را مسموم نگه داشته است. در شبی که دو قطب بزرگ فوتبال ما، پرچم تسلیم را مقابل رقبای درجه دوی آسیا بالا بردند، حالا تمام نگاه‌ها با ترس و لرز، به سمت تبریز چرخیده است. اما نه آن تبریزی که می‌شناختیم؛ نه آن قلعه سرخ یادگار امام که لرزه بر اندام هر حریفی می‌انداخت. حالا ما مانده‌ایم و تراکتور؛ تیمی که آخرین نخ تسبیح آبروی فوتبال باشگاهی ما در سطح دوم آسیاست. اما سوال اینجاست؛ این تراکتور، هنوز همان ماشین جنگی است یا تنها سایه‌ای از یک قهرمان زخمی؟

بزرگ‌ترین تراژدی تراکتور در آستانه این نبرد حساس، نه در مستطیل سبز، بلکه روی نیمکت رقم خورد. دراگان اسکوچیچ، مردی که با نگاهی معمارگونه، تراکتور را از نو ساخت و برای اولین بار در تاریخ، رویای دیرینه آذربایجان را تعبیر کرد و جام قهرمانی لیگ برتر را به تبریز آورد، حالا دیگر نیست. او معمار تیمی بود که فوتبال را با استانداردهای اروپایی بازی می‌کرد؛ تیمی که می‌دانست چه زمانی حمله کند و چه زمانی حریف را در تارهای خود اسیر کند. رفتن او، آن هم در این مقطع حساس، شبیه به برکنار کردن یک ژنرال در شب عملیات بود. جایگزینی او با محمد ربیعی، شاید روی کاغذ یک انتخاب داخلی معقول به نظر برسد، اما واقعیت عریان فوتبال آسیا چیز دیگری می‌گوید. ربیعی مربی محترمی است، اما آیا وزن نیمکت او برای بازی‌های حذفی آسیا کافی است؟ آیا او می‌تواند همان کاریزمایی را به رختکن تزریق کند که اسکوچیچ برای قهرمانی لیگ برتر به کار گرفت؟ ترس بزرگ اینجاست که تراکتور با ربیعی، از یک مدعی بی‌چون و چرا به یک تیم معمولی نگران تبدیل شود. ربیعی کفش‌هایی را به پا کرده که برایش بسیار بزرگ به نظر می‌رسد!

فوتبال در تبریز با تماشاگر معنا پیدا می‌کند. قدرت تراکتور نه در ساق ستاره‌های میلیاردی‌اش، بلکه در حنجره‌های هزاران هواداری است که استادیوم یادگار امام را به جهنمی سرخ تبدیل می‌کردند. اما حالا، به دلیل اتفاقات غیرفوتبالی و تصمیمات کنفدراسیون فوتبال آسیا، تراکتور از بزرگ‌ترین سلاح خود محروم شده است. میزبانی در زمین بی‌طرف، یعنی تراکتور عملا نیمی از توان خود را در فرودگاه تبریز جا گذاشته است. وقتی خبری از آن غرش‌های کرکننده نباشد، رقبای اماراتی با خیالی آسوده توپ می‌زنند. محرومیت از میزبانی، تنها یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست؛ این یک قتل تاکتیکی است. تراکتور بدون تماشاگر، مثل شیری است که چنگال‌هایش را کشیده‌اند و حالا باید در قفس برای بقا بجنگد.

بسیاری می‌گویند تراکتور خوش‌شانس بوده که در مرحله گروهی به عربستانی‌ها نخورده و حالا هم با الاهلی امارات روبه‌رو شده است. اما این خوش‌شانسی کاذب، همان تله‌ای است که استقلال و سپاهان در آن سقوط کردند. الاهلی امارات، تیمی نیست که

بتوان به راحتی از کنارش گذشت. آنها با سرمایه‌گذاری سنگین، ستاره‌های خارجی باکیفیت و البته امتیاز بازی در خاک خود (یا نزدیکی خانه)، منتظر کوچک‌ترین لغزش از سوی ربیعی و شاگردانش هستند. فراموش نکنیم که استقلال هم روی کاغذ باید الحسین اردن را می‌برد. سپاهان هم روی کاغذ از الاهلی قطر برتر بود. اما کاغذها در میدان مسابقه می‌سوزند. الاهلی امارات به خوبی می‌داند که تراکتور فعلی، به دلیل تغییرات روی نیمکت و نداشتن حمایت هوادارانش، در آسیب‌پذیرترین حالت ممکن قرار دارد.

حذف استقلال و سپاهان، فشار روانی خردکننده‌ای را روی دوش بازیکنان تراکتور گذاشته است. آنها حالا نه برای خودشان، بلکه برای یک ملت فوتبالی می‌جنگند که غرورش زیر پای اردنی‌ها و قطری‌ها لگدمال شده است. این مسئولیت مضاعف می‌تواند مثل یک لبه تیز عمل کند؛ یا تراکتور را به سمت یک حماسه ماندگار می‌برد، یا زیر بار این سنگینی، کمر تیم را می‌شکند.

اگر ربیعی نتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، اعتمادبه‌نفس را به تیمی که مربی قهرمانش را از دست داده بازگرداند، سرنوشتی مشابه استقلال در انتظار تراکتور خواهد بود. ما در حال صحبت از لیگ قهرمانان ۲ هستیم؛ جایی که تیم‌های ما باید با اقتدار فینالیست می‌شدند، اما حالا برای صعود از یک هشتم نهایی هم دست به دعا شده‌اند.

تراکتور امروز، تنها یک باشگاه فوتبال نیست؛ او آخرین نماینده یک مکتب رو به زوال در آسیاست. اگر تراکتور هم مقابل الاهلی امارات زانو بزند، باید رسما پایان عصر ادعای فوتبال ایران در سطح باشگاهی را اعلام کنیم. عبور از سد اماراتی‌ها، بدون اسکوچیچ و بدون هوادار، چیزی شبیه به معجزه است، اما فوتبال آذربایجان با معجزه‌ها بیگانه نیست. ربیعی باید بفهمد که اینجا دیگر صحبت از رتبه‌های میانی جدول لیگ ایران نیست؛ اینجا پای آبروی یک مرز و بوم در میان است. تراکتور باید ثابت کند که هنوز هم می‌توان به این فوتبال امیدوار بود، وگرنه زمستان امسال، سردترین زمستان تاریخ فوتبال ایران خواهد بود؛ زمستانی که در آن، تمام ستاره‌های پرهزینه ما، پشت سد تیم‌های قطری، اماراتی و اردنی، منجمد شدند.

در نهایت باید گفت تراکتور یا باید قهرمانانه بجنگد و آبروی ریخته شده را جمع کند، یا با یک باخت دیگر، به صف طولانی بازندگان امسال بپیوندد. دنیا منتظر تماشای آخرین پرده از درام ایرانی در آسیاست.